



۴. امر امامت مکمل دین است و هر کس پندارد که خداوند دین خود را تکمیل ننموده، پس قطعاً کتاب خدا را رد کرده و هر که کتاب خدا را رد کند کافر است.
۵. در اواخر عمر نبی اکرم ﷺ در حجة الوداع، آیه اکمال نازل گشت و رسول بزرگوار علی ﷺ را به پیشوائی و پرچمداری مسلمین برگماشت، که جانشینی آن حضرت را عهده دار شود.

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ (۱۲۵).
و یاد کن هنگامی که قرار دادیم کعبه را بازگشت گاهی برای مردم و جای پناه [و گفتیم]: بگیری از مقام ابراهیم جایگاه نماز و به ابراهیم و اسماعیل فرمودیم: این که پاك دارید خانه مرا برای طواف کنندگان و مقیم شوندگان و رکوع و سجود کنندگان؛
[نماز گزاران]

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مِنْ آمَنٍ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ (۱۲۶).
و یادآور آن گاه که ابراهیم عرضه داشت: پروردگارا، این شهر را قرار ده ایمنی بخش و روزی بخش کسانش را از میوه ها، آن که از ایشان به خدای و روز پسین بگروید؛ [خداوند] فرمود: و هر کس نگرود او را هم اندکی بهره و هم سپس بیچاره سازمش به شکنجه آتش و چه بد جای بازگشتی است.

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (۱۲۷).

و یاد کن هنگامی که ابراهیم پایه های خانه [کعبه] را بر می افراشت و نیز، اسماعیل [ومی گفتند]: پروردگارا از ما بپذیر، که همانا تو خود هستی شنوای دانا.

﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (۱۲۸).

پروردگارا ما را دو مسلم منقادِ ویژه خود ساز و نیز، از فرزندانمان گروهی برای خویش مسلم [مطیعِ گردن نهاد] و به ما بنمای راه و رسم های پرستش و بندگی و ببخش بر ما، که همانا خود، توئی بسیار توبه پذیر مهربان [یا جایگاههای عبادت را].

﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (۱۲۹).

پروردگارا: بر انگیز در میانشان فرستاده ای از آنان، که برایشان آیات تو بر خواند و آنان را کتاب و دانش و حکمت بیاموزد و پاکشان سازد که همانا خود، توئی قاهر و چیره، درستکار نیکو کردار.



لغت

«بیت»: خانه و در این جا مراد «کعبه» و از این جهت «کعبه» گفته اند که به صورت مکعب بنا شده.

«مثابه»: اسم مکان، جای بازگشت جهت توبه و تضرع و یا محل دریافت ثواب و پاداش دنیوی و اخروی.

«عاکف»: مجاور و مقیم و کسی که در مسجد اعتکاف کرده و سکونت موقت گزیند.

«رکع»: جمع راکع از رکوع، یعنی: پشت خم کردن که یکی از ارکان نماز است.

«سجود»: جمع ساجد، از مصدر سجده، یعنی: به خاک افتادن، پیشانی بر خاک نهادن

که باز رکنی از نماز است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

«آمناً»: مصدر به معنی «آمن» یعنی: پناه و ایمنی بخش.

«ثمرات»: میوه جات.

«اضطرار»: بیچاره گی، مجبور شدن و ملزم ساختن.

«مصیر»: جای بازگشت و باز گردیدن.

«رفع»: بالا بردن، بلند کردن، برافراشتن.

«قواعد»: جمع قاعده، به معنی اساس و پایه و بنیاد.

«بَلَد»: شهر.



«مسلم»: منقاد، فرمانبر، مطیع، گردن نهاد.

«مناسک»: جمع منسک و منسک جای قربانی یا راه دین و روش بندگی و عبادت، از مصدر نُسک.

و نُسُك و نَسْكَ و نِسْكَ و نَسُوکاً و نَسْکَنَةً و منسکاً به معنی پرستیدن و بندگی.
«حکیم»: درستکار، نیکو تدبیر، که از صفات فعل خدا است و اگر به معنای علیم و دانا باشد از صفات ذاتست.

«عزیز»: توانائی که بر همه چیز چیره است و غالب و کسی او را مغلوب نسازد و مانع عملی او هیچ چیز نمی شود، به خلاف خوار و ذلیل.

اگر بررسی و دقت کامل از ابتداء سوره بقره انجام گیرد ملاحظه خواهد شد که به مناسبت و جا به جا، پروردگار ضمن آیات و بیاناتی از مؤمن و کافر و منافق و گزارشات و داستانهای از بنی اسرائیل جهت عبرت و بیداری ما، [و] اصول عقاید را نیز [اعم] از اعتقاد به صانع و خالق جهان و توحید و یکتاپرستی مستدلاً گوشزد فرموده و گفتاری از خلقت و آفرینش آدم و خلیفه اللّهی و نیز، اثبات نبوت عامّه را نسبت به انبیاء گذشته که در ضمن اثبات نبوت و رسالت خاصه پیامبر بزرگوار به وسیله تحدی به قرآن صورت می گیرد، یادآور و سپس امر امامت و ولایت و جعل و نصب زمامداری و پیشوائی خلق را که پذیرش آن جزو اعتقادات اصولی است و در نتیجه راه یابی و اهتداء به حقیقت و رسیدن به مقصد [را]، چنان که فرموده:

﴿وَأَيُّ لُغْفَارٍ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾ (طه: ۲۰: ۸۲) تذکر داد، که بدیهی است پس از توبه از شرك و کفر و هر گناهی، و ایمان به خدا و رسول و انجام کار نیک، تنها امری که برای اکمال دین باقی می ماند موضوع ولایت و امامت است و الاّ پس از طی مرحله مزبور، سپس مهتدی شدن بی معنی است؛ زیرا با همان سه مرحله اهتداء صورت گرفته و قید بعدی ناصواب و تحصیل حاصل است.

بنابراین هم چنان که در تفاسیر خاصه و بر حسب نقل برخی از تفاسیر عامّه، چون تفسیر طبری، که گویای همین معنا است؛ غرض از اهتداء بعدی امر امامت و ولایت

۱. تفسیر التبیان، ج ۷، ص ۱۹۶؛ تفسیر طبری، ج ۱۶، ص ۱۴۵.

است و به همین لحاظ داستان جعل امامت و نصب مقام پیشوائی خلق از طرف کردگار درباره ابراهیم، پس از بیان دو اصل دیگر یعنی: توحید و نبوت، مؤید همین مطلب است.

[قبله واحد عامل اتحاد مسلمین]



و اینک، که بیان اصول اعتقادی هر فرد مسلمان از توحید و یکتاپرستی و امر رسالت و عمل نیک و اهتداء و راه یابی و جهت بخشیدن در مسیر و حرکت به وسیله ولی و جانشین و امام وقت صورت تحقق می پذیرد، خداوند مهربان و رؤف اولین امر بسیار مهم اجتماعی از نقطه نظر اصول عملی که عبارت است از وحدت و یکپارچگی همه جانبه مسلمین، و وسیله ای برای نظم صفوف و هم بستگی و هماهنگی فکری در تمام شئون فردی و اجتماعی مردم مسلمان، و داشتن قبله و جهت واحد و ایجاد تمرکز قدرت و عظمت دولت اسلام در برابر دشمنان و روندگان راه باطل، تا جای شکاف و رخنه ای جهت نفوذ بیگانه نباشد، موضوع کعبه و حج یکی از بزرگترین وظیفه اجتماعی مسلمین را یادآور شده و آغاز به تشریح برخی از ویژه گی ها و بیانی از تجدید ساختمان کعبه و قبله گاه واحد مسلمین به دست ابراهیم بت شکن و اسماعیل و سپس بعضی از امور تشریحی و مناسک آن را تشریح می فرماید.

تا بدانند اگر زعیم و رهبری را به ولایت از جانب خود برگزید، خانه خود را نیز، محل تمرکز و جای امن و قبله گاه یکتاپرستان قرار داد تا مطیع و مطاع به دعوتش در خانه او گرد آیند و در سر سفره عزت و کرامت برادر وار نشینند [و همه - اعم از سفید و سیاه، زن و مرد، بزرگ و کوچک، فقیر و غنی، رئیس و مرئوس، استاد و دانش آموز، تحت لوای یک کتاب و یک رهبر دانای به کتاب، پرچم توحید راکه صدای «لا اله الا الله و انّ محمداً رسول الله و علیاً ولی الله» است از خانه اش در سراسر گیتی به اهتزاز در آورند.

[اقدامات پیامبر جهت دستیابی به وحدت]

و با این وحدت و یکپارچگی و تقوی و دانش سعادت دنیا و آخرت [خود] تأمین

است و به همین لحاظ داستان جعل امامت و نصب مقام پیشوائی خلق از طرف کردگار درباره ابراهیم، پس از بیان دو اصل دیگر یعنی: توحید و نبوت، مؤید همین مطلب است.

[قبله واحد عامل اتحاد مسلمین]



و اینک، که بیان اصول اعتقادی هر فرد مسلمان از توحید و یکتاپرستی و امر رسالت و عمل نیک و اهتداء و راه یابی و جهت بخشیدن در مسیر و حرکت به وسیله ولی و جانشین و امام وقت صورت تحقق می پذیرد، خداوند مهربان و رؤف اولین امر بسیار مهم اجتماعی از نقطه نظر اصول عملی که عبارت است از وحدت و یکپارچگی همه جانبه مسلمین، و وسیله ای برای نظم صفوف و هم بستگی و هماهنگی فکری در تمام شئون فردی و اجتماعی مردم مسلمان، و داشتن قبله و جهت واحد و ایجاد تمرکز قدرت و عظمت دولت اسلام در برابر دشمنان و روندگان راه باطل، تا جای شکاف و رخنه ای جهت نفوذ بیگانه نباشد، موضوع کعبه و حج یکی از بزرگترین وظیفه اجتماعی مسلمین را یادآور شده و آغاز به تشریح برخی از ویژه گی ها و بیانی از تجدید ساختمان کعبه و قبله گاه واحد مسلمین به دست ابراهیم بت شکن و اسماعیل و سپس بعضی از امور تشریحی و مناسک آن را تشریح می فرماید.

تا بدانند اگر زعیم و رهبری را به ولایت از جانب خود برگزید، خانه خود را نیز، محل تمرکز و جای امن و قبله گاه یکتاپرستان قرار داد تا مطیع و مطاع به دعوتش در خانه او گرد آیند و در سر سفره عزت و کرامت برادر وار نشینند [و همه - اعم از سفید و سیاه، زن و مرد، بزرگ و کوچک، فقیر و غنی، رئیس و مرئوس، استاد و دانش آموز، تحت لوای یک کتاب و یک رهبر دانای به کتاب، پرچم توحید راکه صدای «لا اله الا الله و انّ محمداً رسول الله و علیاً ولی الله» است از خانه اش در سراسر گیتی به اهتزاز در آورند.

[اقدامات پیامبر جهت دستیابی به وحدت]

و با این وحدت و یکپارچگی و تقوی و دانش سعادت دنیا و آخرت [خود] تأمین



کنند. و لذا خانه تشریفی خود را نیز، مامن همگان به ساخت و همه را میهمان خود خواند و مورد انعام و مکرمت به گرفت و کسی را نه تنها به کسی آزاری نیست بلکه هر نوع جدال و بگو مگو کردن یا کسی را به امر و نهی شخص گرفتن مورد منع و او را چنین فرمانی مجاز نباشد، تا حس برادری و برابری قوت گیرد و شئون فردی و شخصی با پوشیدن لباس واحد - دو پارچه سفید و ساده و بدون بافت و علامت - بریزد و نیز، کسی را بر کسی فخر و مباهات نباشد، که همه ریزه خوار سفره او هستند و در خانه تشریفی او مدعو.

و در چنین شرایطی است که در ضمن انجام مناسک حج که خود کتابی است و آثار عملی آن کتابی دیگر، و هر يك را رموزی است برای سعادت دنیا و دین که روی حکمت و مصلحتی از جانب حق پی ریزی شده، همگی آماده اند و گوش به فرمان که امام وقت چه دستوری می دهد؟ و برنامه فردی و اجتماعی چیست؟ و هدف و مقصد خدائی کدام؟ که در این یکسال باید همه مسلمین با حفظ شئون برادری و تعاون در سراسر گیتی و هر کجا که پراکنده اند طرح و پروژه مورد وظیفه را به دستور و فرماندهی پیشوای وقت در میان خود و خانواده و اجتماع پیاده کنند، تا نوبت به سال بعد و حضور افراد ذی صلاح و متمکن و توانا و گرد آمدن ایشان در خانه خدا و جایگاه امن برسد و بازگویی از نتایج کار و مشکلات موجود و موانعی که برخورد کرده اند مطرح شده و راهنمایی لازم برای نیل به مقصود و ایصال به مطلوب از امام وقت تا سال بعد درخواست شود.

اگر تنها همین دستور حق و دعوت همه ساله که در خانه تشریفی او است به معنای صحیح و روش خدائی تحقق و جودی گیرد، در مدتی بس کوتاه همه مردم روی زمین از زن و مرد و کوچک و بزرگ به اسلام و پیروی از مکتب قرآن و توحید روی آورند و صلح و صفا، حقیقت و صداقت، درستی و امانت، و گسترش عدالت اجتماعی در تمام شئون، به وسیله رهبر حق در سراسر گیتی ظاهر، و مردم در خوشبختی و سعادت و رفاه و عزت زندگی و معیشت کنند و بندگی و عبودیت واقعی حق گذارند و به تدریج خلقت نیکو ایشان را ملکه شود و از درود و رحمت حق بهره وافر بر گیرند و در

نتیجه دنیا و آخرتشان به نیکی و شادی انجامد.

بدیهی است چنین روزی را امت شیعه به وسیله رهبر و امام قائم - که هم اکنون در پرده غیبت بسر برد-، در انتظار است و چشم به راه و اینک، خداوند خانه‌ای را که به دست ابراهیم، رسول و امام به حق و اسماعیل فرزند بزرگوارش تجدید بنا شده و از زمان آدم مکان گرد[هم] آئی بندگان و یکی از وسائل دعوت یکتاپرستان است یادآور می‌شود:

﴿وإذ جعلنا البيت مثابة للناس﴾ (۱۲۵).

و یادکن آن گاه که قرار دادیم کعبه را جایگاه و مرکز رجوع و بازگشت برای مردم. در هر سال و هر وقت جهت تضرع و انابه و زاری و توبه از کردار ناصواب و زشت گذشته و تضمین سعادت دنیا و آخرت و جایگاه مشورت و طرح ریزی برنامه‌های سعادت بخش مسلمین و ده‌ها موضوع سودآور دیگر. و نیز در خبر آمده است:

مستحب است و شایسته که حاجیان و زائران خانه خدا پس از انجام مناسک حج، دوباره به آنجا برگردند و از او بخواهند که آنان را مجدداً توفیق زیارت خانه‌اش بخشد و بسیار تضرع و زاری به درگاه ربوبی کنند که از گناهان ایشان درگذرد و در کسب معارف و ایمان کامل و انجام کار نیک به آنان توفیق دهد. و نیز، برای اجابت حوائج برادران مسلمان و حفظ وحدت و عزت و شوکت مسلمین در تحت رهبری امام وقت، بسیار دعا کنند، که همه این امور را آثار وضعی بر جان و تن و روش زندگی، از نظر علمی مسلم است.^۱

۱. علی بن ابراهیم، عن أبیه، ومحمد بن إسماعیل، عن الفضل بن شاذان، عن صفوان بن یحیی، وابن أبي عمیر، عن معاویة بن عمار، عن أبي عبد الله علیه السلام قال: إذا أردت أن تخرج من مكة وتأتي أهلك فودع البيت وطف بالبيت أسبوعاً واستطعت أن تستلم الحجر الأسود والركن اليماني في كل شوط فافعل وإلا فافتتح به واختم به فإن لم تستطع ذلك فموسع عليك، ثم تأتي المستجار فتصنع عنده كما صنعت يوم قدمت مكة وتخیر لنفسك من الدعاء، ثم استلم الحجر الأسود ثم ألصق بطنك بالبيت تضع يدك على الحجر والأخرى مما يلي الباب واحمد الله وأثن عليه وصل على النبي صلی الله علیه وآله ثم قل: «اللهم صل على محمد عبدك ورسولك ونبيك وأمينك وحبيبك ونجيك وخيرتك من خلقك اللهم كما بلغ رسالاتك وجاهد في سبيلك وصدع بامرك وأوذني في جنبك وعبدك حتى أتاه اليقين، اللهم اقلبني مفلحاً منجحاً مستجاباً لي بأفضل ما يرجع به أحد من وفدك من المغفرة والبركة والرحمة والرضوان والعافية، اللهم إن أمتي فاغفر لي وإن أحييتني فارزقني من قابل، اللهم لا تجعله آخر العهد من بيتك، اللهم إني عبدك وابن عبدك وابن أمتك، حملتني على دوابك وسيرتني في بلادك حتى أقدمتني حرمك وأمنك وقد كان في حسن ظني بك أن تغفر لي ذنوبي فإن كنت قد غفرت لي ذنوبي فازدد عني رضا وقربني إليك زلفي ولا تباعدني وإن كنت لم تغفر لي فمن الآن فاغفر لي قبل أن تنأى عن بيتك داري فهذا أو انصرافي إن





یا خانه را محل ثواب و پاداش قرار دادیم تا برای بندگان جای دریافت مزد و اجری باشد، چه در دنیا و چه در آخرت .
﴿وَأَمَّا﴾ (۱۲۵) .

یعنی: مکان امن و امان و پناهی برای بندگان مقرر کردیم . که اگر فردی به خانه پناه برَد تا مادامی که در مسجد است او را امان بوده و آزاری نرسانند و حدی نزنند، مگر خویشتن بیرون برد و سپس مورد اجرای حکم و حدِّ داور شود، یا جایگاه امن و امانی است برای بندگان گریز پا و چموش و عاصی و نافرمان، که با دلی شکسته و زار به خانه خدای غفار و محضر یکتای جبّار به شرمندگی و خجالت و پشیمانی و ندامت روی آورند و با انابه و توبه آمرزش حق طلبند، که او را خانه پناهی و مأمّتی است از عقوباتِ اخروی و شکنجه های ابدی .

﴿وَاتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ (۱۲۵) .

کلمه: «قلنا» در تقدیر است . و [فرمان دادیم:] که از محلّ ایستادن ابراهیم برگیرید جایگاه نماز .

این دستور مربوط به دو رکعت نماز واجب بعد از طواف است و در حدیثی است: که برای هیچ کس انجام این دو رکعت نماز جایز نیست مگر در پشت مقام ^۱ .

﴿وَعَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ﴾ (۱۲۵) .

و ما عهد کردیم به ابراهیم و اسماعیل [یعنی دستور دادیم] این که پاکیزه سازند خانه مرا [از هر جهت چه ظاهر و چه باطن، پاکسازی از وجود مُشرك و بت پرست یا به جهت تمیزی و نظافت و در روایتی است: «هر آن کس که داخل کعبه شود باید

كسكت اذنت لي غير راغب عنك ولا عن بيتك ولا مستبدل بك ولا به، اللهم احفظني من بين يدي ومن خلفي وعن يميني وعن شمالي حتى تبلغني أهلي فإذا بلغتني أهلي فاكفني مؤونة عبادك وعبالي فإنك ولي ذلك من خلقك ومني». ثم ائت زمزم فاشرب من مائها ثم اخرج وقل: «أبؤن تائبون عابدون لربنا حامدون إلى ربنا راغبون إلى الله راجعون إن شاء الله»، قال: وإن أبا عبد الله ﷺ لما ودعها وأراد أن يخرج من المسجد الحرام خر ساجدا عند باب المسجد طويلا ثم قام فخرج . الكافي، ج ۴، ص ۵۳۰، ح ۱ .

۱ . موسى بن القاسم عن صفوان بن يحيى عن حدثه عن أبي عبد الله ﷺ قال: ليس لأحد أن يصلي ركعتي طواف الفريضة إلا خلف المقام لقول الله عزوجل: **﴿وَاتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾** فان صليتهما في غيره فعليك إعادة الصلاة . تفسير مجمع البيان، ج ۱، ص ۳۸۳؛ تهذيب الاحكام، شيخ طوسي، ج ۵، ص ۱۳۷، ح (۴۵۱) ۱۲۳ .



غسل کرده و خویشتن را از تمام جهات تطهیر و پاکیزه کند»^۱

﴿لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ (۱۲۵).

برای مردمی که طواف کننده کعبه‌اند و کسانی که اعتکاف در مسجد دارند] اقامت موقت به خاطر عبادت] و نمازگزارانی که رکوع دارند و سجود.

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا﴾ (۱۲۶).

و یادآور آن گاه که ابراهیم عرضه داشت: پروردگارا، این شهر را مامن و جای پناه بگردان. چه از لحاظ آرامش و امنیت که مکانی باشد ایمنی بخش و یا دور از قحط و غلا.

﴿وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ﴾

و روزی بخش کسانش را از میوه جات. و بهره‌ها، آنچه در آن سرزمین روید و آنچه را که از سایر نقاط دور و نزدیک بدانجا برآید یا منظور از ثمرات اعم از هر گونه بهره مادی و معنوی در دنیا و آخرت باشد، چنان که در آیه دیگر تخصیص به ذکر نمود:

﴿فَجَعَلَ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوَىٰ إِلَيْهِمْ وَارْزُقَهُم مِنَ الثَّمَرَاتِ﴾ (ابراهیم (۱۴): ۳۷).

یعنی: دل‌های مردم را به سوی آنان متمایل نما. تا کشش پیدا کنند و ساکنان این سرزمین را مورد لطف و عنایت قرار دهند؛ بدیهی است باید دانست که این پیشنهاد و درخواست‌ها برای چه کسان؟ پیدا است برای:

﴿مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ (۱۲۶).

از ایشان، آنها که به خدا ایمان آورند و به روز بازپسین نیز؛ زیرا جمله *بَدَلْ بَعْضُ* از *كُلِّ* است نسبت به ﴿اهله﴾ و لذا، مخصوص و ویژه است به صاحبان ایمان، بالاخص آنها که معصومند و برگزیده او به نبوت و پیشوائی خلق و واجد دانش خدائی و علم لدنی، که در رأس همه شخص نبی اکرم ﷺ است و سپس او صیاء آن حضرت تا دوازدهمین وصی [بر حسب نقل حدیثی]. تا مشرک و کافر و دشمنان رسالت و وصایت را خارج سازد،^۲ چنان که

۱. حدثنا محمد بن الحسن رحمه الله قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفار عن أحمد وعبد الله ابني محمد بن عيسى عن محمد بن أبي عمير عن حماد بن عثمان عن عبيد الله بن الحلي قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام: أتغتسل النساء إذا أتين البيت؟ قال: نعم إن الله عز وجل يقول: ﴿إِنْ طَهَرْنَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾، فينبغي للعبد أن لا يدخل إلا وهو طاهر قد غسل عنه العرق والأذى وتطهر. *علل الشرايع*، ج ۲، ص ۴۱۱، باب ۱۵۱، ح ۱.

۲. عن عبد الله بن غالب عن أبيه عن رجل عن علي بن الحسين قول إبراهيم ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ﴾ إيانا عنى بذلك وأولياءه وشيعته وصيه، ﴿قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَاَمْتَهُ قَلِيلًا ثُمَّ اضْطَرَّهُ إِلَىٰ عَذَابِ



از سیاق عبارت پیدا است و به دنبال خداوند فرمود:

﴿قال ومن كفر فأمّته قليلا﴾ (۱۲۶).

و هر کس نگرود و ناسپاسی کند، پس او را بهره ای دهم اندک. که همان روزی دنیا است بی نصیب از عقبی، چه زیادش در قبال نعم و مواهب آخرت بسیار کم است و ناچیز و مستفاد از آیه است که به عکس روزی مؤمنان کثیر است و فراوان، زیرا در دنیا بر حسب حکمت و صلاح مؤمن است و در عقبی به میزان فضل و کرم خدای مهیمن تا جائی که فرمود: ﴿لهم ما يشاءون فيها ولدینا مزید﴾ (ق: ۵۰: ۳۵).

و در آن بهشت هر چه بخواهند ایشان را فراهم است و در نزد ما زیاده و افزونی است.

﴿ثم اضطره إلى عذاب النار وبئس المصیر﴾ (۱۲۶).

سپس آن ناسپاس را به شکنجه آتش ملزم کنم و بیچاره و بد جای بازگشتی است آن آتش.

﴿وإذ يرفع إبراهيم القواعد من البيت وإسماعيل﴾ (۱۲۷).

[بنای کعبه و چرخش دور آن]

و یادآور آن گاه که ابراهیم پایه هائی را از خانه برمی افراشت و نیز اسماعیل از آیه چنین پیدا است که بنیادی از خانه قبلاً بوده و حضرت ابراهیم و اسماعیل پایه های آن را رفعت داده و بالا برده اند و لذا مؤسس خانه کعبه آنان نبوده اند، بلکه از زمان حضرت آدم محلی بوده مقدس و مورد توجه و جایگاه طواف و عبادت؛ در خطبه ای از مولا است: *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
که مردم از زمان آدم تا پایان عالم به این سنگ و احجار، که خانه کعبه است مورد اختبار و آزمایشند و آن را به خود نسبت داده و دستور به طوافش فرمود.^۱

﴿النار﴾ قال: عنی بذلك من جحد و صیه و لم يتبعه من أمته و كذلك والله حال هذه الأمة. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۵۹، ح ۹۶.

۱. ألا ترون أنّ الله سبحانه اختبر الأولین من لدن آدم ﷺ إلى الآخرين من هذا العالم بأحبار لاتضرّ و لاتنفع و لاتبصر و لاتسمع فجعلها بيته الحرام الذي جعله للناس قیاما ثم وضعه بأوعر بقاع الأرض حجرا و أقلّ تناثق الدنيا مدرا و أضیق بطون الأودية قطرا بين جبال خشنة و رمال دمتة و عیون و شلة و قرى منقطعة لايزكو بها خفّ و لاحافر و لاطلف ثم أمر آدم ﷺ و ولده أن یثنوا أعطافهم نحوه فصار مثابة لمنتجع أسفارهم و غاية الملقى رحالهم تهوي إليه ثمار الأفتدة من مفاوز قفار سحيقة و مهاوي فجاج عميقة و جزائر بحار منقطعة حتى یهزوا مناكبهم ذللا یهللون لله حوله و یرملون علی أقدامهم شعنا غبرا له قد نبذوا السرابیل وراء ظهورهم و شوّها بإعفاء الشّعور محاسن خلقهم ابتلاء عظیما و امتحانا شديدا و اختبارا مبینا و تمحيصا بلیغا. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۲۹۲.

و در خبر است :

بعضی از زنداقه در دوران امام صادق علیه السلام ایراد گرفته، می گفتند :
این چه کار عبثی است که شما انجام می دهید و دور بنائی از سنگ چرخیده، وقت و
عمر خود به هدر می دهید .^۱



و مؤمنان را به ریشخند و استهزاء می گرفتند غافل از این که به دستور حق، گردشی
است به محور توحید و اجرای فرمان دوست و توجه به خالقی یکتا و از خود بریدن و
از همه چیز گذشتن و از زن و فرزند و سایر متعلقات دل کندن و به دور خانه او
چرخیدن و آماده تا جان در راه هدف و دستورش بیازند و ندا کنند: این گردش خود
ابراز جان بازی و جان فشانی در راه تحقق ایمان و بندگی و عاملی برای حفظ وحدت
است و یگانگی .

شگفتا، که این بشر نادان و سرکش با انواع کارهای شیطانی و انحرافات عملی و
روانی و لهو و لعب و سرگرمی های ناروا و فاسد و خلاف عقل و شرع، دامن خود
آلوده و هیچ گونه ایراد و انتقادی ندارد، بلکه او را خوشایند است و مطلوب، ولی
این جا که خانه تشریفی خدا است و جایگاه بندگی و کسب معرفت و شرف، دهان
کثیف و زبان ننگین صفت را با انتقاد زشت و نابه جا گشوده، چون منفذی متعقن
هوای پاک و محیط صاف را آلوده ساخته و تنقر و اشمئزاز صاحبان بینش و خرد را از
خویش موجب می شود .

۱ . وروي عن عيسى بن يونس قال : « كان ابن أبي العوجاء من تلامذة الحسن البصري فأنحرف عن التوحيد فقبل له : تركت
مذهب صاحبك ودخلت فيما لا أصل له ولا حقيقة فقال : إن صاحبي كان مخلصا كان يقول طورا بالقدر ، وطورا بالجبر ، وما
أعلمه اعتقد مذهبا دام عليه ، قال : ودخل مكة تمردا وإنكارا على من يحج وكان يكره العلماء مساءلته إياهم ومجالسته لهم
لخبث لسانه وفساد ضميره فأتى جعفر بن محمد عليه السلام فجلس إليه في جماعة من نظرائه ، ثم قال له : إن المجالس أمانات
ولا بد لكل من كان به سعال أن يسعل أفتأذن لي في الكلام؟ فقال : تكلم فقال : إلى كم تدوسون هذا البيدر وتلذذون بهذا
الحجر وتعبدون هذا البيت المرفوع بالطوب والمدر وتهولون حوله هرولة البعير إذا نفر ، من فكر في هذا أو قدر علم أن هذا
فعل أسسه غير حكيم ولا ذي نظر ، فقل : فإنك رأس هذا الامر وسنامه وأبوك أسه ونظامه . فقال أبو عبد الله عليه السلام : إن من
أضله الله وأعمى قلبه ، استوخم الحق فلم يستعذبه ، وصار الشيطان وليه يورده مناهل الهلكة ثم لا يصدده ، وهذا بيت
استعبد الله به خلقه ، ليختبر طاعتهم في إتيانه ، فحثهم على تعظيمه وزيارته ، وجعله محل أنبيائه وقبلة للمصلين له ، فهو
شعبة من رضوانه وطريق يؤدي إلى غفرانه ، منصوب على استواء الكمال ومجتمع العظمة والجلال ، خلقه الله قبل دحو
الأرض بالفي عام ، وأحق من أطيع فيما أمر وانتهى عما نهى عنه وزجر ، الله المنشئ للأرواح بالصور . من لا يحضره
الفقيه ، ج ۲ ، ص ۲۴۹ ؛ الكافي ج ۴ ، ص ۱۹۷ ، ح ۱ .



﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا﴾ (۱۲۷).

کلمه: «يقولون» در تقدیر است [می گفتند:]پروردگارا [این خدمت و بندگی] از ما بپذیر .

﴿إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾

که همانا خود توئی شنوا و دانا به همه امور، از آن جمله خواسته ما می شنوی و به اندیشه دل آگهی داری، که برای امتثال فرمان تو کمر همّت بر بسته و اقدام به ترمیم و تجدید بناء خانه تو حید نموده ایم .

﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ﴾ (۱۲۸).

پروردگارا: ما را دو فرمانبر منقاد ویژه خود ساز .

در پرستش و بندگی، به اتیان امر و نهی، به رضا و تسلیم و بیم و امید و یقین و توکل و همه صفات نیک و کردار پاک، که تنها از تو فرمان بریم نه هوای نفس و نه موجود دیگری .

﴿وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ﴾ و از فرزندان ما دسته ای مطیع و گردن نهاد ویژه خود

گردان . در این جا بعضی از ذریه را که منقادند و فرمانبر مورد درخواست قرار داده؛ زیرا به سابقه :

﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (۱۲۴).

توجه داشت؛ و از حضرت صادق علیه السلام مرویست :

که اهمّ مصادیق از بعض ذریه بنی هاشم اند و خاندان رسول اکرم، همانا که خداوند رجس و پلیدی را از آنان دفع به فرمود و به عصمت و طهارت و پاکی و پاکیزگی علماً و عملاً ویژه شان ساخت .^۱

﴿وَأَرْنَا مَنَاسِكَنَا﴾ (۱۲۸).

۱. و روي عن الصادق عليه السلام . أنّ المراد بالامة، بنو هاشم، خاصة، تفسير مجمع البيان، ج ۱، ص ۳۹۳ .

[و في الكافي، يأسناده إلى أبي عمرو الزبيری، عن أبي عبد الله عليه السلام في حديث طويل . يقول فيه عليه السلام : ثم ذكر من أذن له في الدعاء إليه بعده و بعد رسوله في كتابه، فقال : ﴿ و لتكن منكم أمة يدعون إلى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و أولئك هم المفلحون ﴾ (آل عمران (۳): ۱۰۴) . ثم أخبر عن هذه الأمة و ممن هي . و إنّها من ذرية إبراهيم، و من ذرية إسماعيل، من سكان الحرم، ممن لم يعبدوا غير الله قطّ، الذين وجبت لهم الدعوة، دعوة إبراهيم و إسماعيل، من أهل المسجد الذين أخبر عنهم في كتابه، أنّه أذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهيرا .]، الكافي، ج ۵، ص ۱۳- ۱۴، ح ۱؛ تفسير كنز الدقائق، ج ۲، ص ۱۵۸

و اعمال حجّمان به ما بنما. منظور کیفیتِ برگزاری مناسک حجّ است اعم از طواف یا سعی بین صفا و مروه و سایر مراسم حج در مواضع دیگر نظیر عرفات، مشعر و منی، که چگونه باید و وظایف مربوطه را به انجام رسانید.

﴿وَتَبَّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾

و ببخش بر ما، همانا که تو خود بسیار به بندگان روی آوری و مهربان باشی.

﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ﴾ (۱۲۹).

پروردگارا: برانگیز در میان آنان فرستاده [پیامبری] از ایشان، که بخواند بر آنها آیات و سخنان تو را. منظور از رسول در این آیه صرفاً پیامبر خاتم است؛ زیرا تنها رسولی که از ذریّه اسماعیل و ابراهیم تحقق یافته نبی اکرم ﷺ است و سایر انبیاء از فرزندان یعقوب یعنی بنی اسحاقند، نه، بنی اسماعیل.

﴿وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ﴾

و پیاموزد ایشان را کتاب و دانش نظری و عملی و معارف الهی و مطالب محکم و استوار و سخنان واقعی و حقیقی و پاک سازد آنان را [از لوث هر شرك و کفر و کردار و رفتار زشت و ناستوده؛ این توصیف در قرآن مجید برای نبی اکرم ﷺ مکرراً آمده است]

﴿إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾

به درستی که تو خود بسیار چیره و غالب و قاهر [در انجام هر امر و هر چیز] و نیکو تدبیر و درست کرداری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

﴿وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (۱۳۰).

و کیست که روی گرداند از کیش ابراهیم! جز آن کس که خویشتن به سبکباری و بی خردی برگرفت؛ که ما تحقیقاً او را در این جهان برگزیدیم و همانا وی هر آینه در روز بازپسین باشد از شایستگان.

